

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی» و داکتر صلاح الدین «سعیدی – سعید افغانی»
۱۸ فیروزی ۲۰۱۸

راه های اثبات اتهام حد زنا

۱

قبل از همه باید گفت که در شرع اسلامی امر به این است که به خاطر احتیاط کامل جزایهای حدودی و تطبیق آن در صورت وجود شبهه ساقط می شود و تنها وقتی حد زنا اجراء می گردد که وقوع این جرم به طور قطعی و یقینی بدون شبهه و آن هم نزد مرجع رسمی حاکمیت اسلامی به ثبوت رسیده باشد و در چوکات هدایات دقیق اسلامی به صورت تعیین شده از طرف حاکمیت اسلامی تطبیق گردد.

بناءً شرع اسلامی یکی از راه های اثبات اساسی این جرم و تخلف را شهادت چهار شاهد و گواه مرد عادل و مسلمان را به طور مقرر در نزد قاضی حاکمیت اسلامی ضروری دانسته و حتی شهادت زنان و مردان فاسق را در مورد حد زنا مورد پذیرش قرار نمی دهد و آن را رد می نماید.

همچنان شرعیت اسلامی در مورد شاهدان شرایط خاصی را وضع نموده است که :

تمام شهود چهارگانه مسلمان باید به طور روشن، محسوس و یقینی عمل جنسی زنا و ارتکاب زنا را به طور دقیق مشاهده کرده باشند همانگونه که میله چوب سرمه را در سرمه دان و طناب را در چاه آب می بینند. بدیهی است که چنین دیدن شاهد و چنین شهادت و چنین اثبات در عمل چیزی اگر محال و ناممکن پنداشته نشود حد اقل بسیار سخت است.

اصلاً در کدام گوشه ای از دنیا چنین همبستری زن با مرد یافت می شود که : یک مرد و زن در مقابل چشم چهار نفر مسلمان دست به عمل زنا بزنند ؟

حتی در دنیائی که زنا جرم پنداشته نمی شود چنین اتفاقی نمی افتد و حتی مطابق قوانین این کشور ها هم مرتکب این عمل در نزد انظار عامه را، مورد پیگرد قرار می دهند.

نقطه دیگری که در مورد شاهدان حد زنا وجود دارد که چهار نفر مسلمان غیر فاسق، نباید به قصد کشف زنا رفته باشند.

شرع مقدس اسلامی در مورد اصول حد شاهدان می افزاید که اگر :

سه نفر شاهد از جمله چهار نفر آن شهادت به وقوع این جرمه بدهند و نفر چهارم خلاف شهادت چهار نفر باشد، و یا این که یکی از این چهار نفر از شهادت خویش منصرف گردد، باید حد قذف درباره مجموع چهار نفر شاهد اجراء گردد.

اینست احتیاطی که شریعت اسلامی برای اثبات این جرم و تخلف مقرر کرده است که اثبات قطعی و بلاشبهه آن در عمل در مواردی ممکن نیست یا بسیار دشوار است این عقوبت بیشتر به تهدید و ترساندن و اعلام خطر، وقایه و تربیه می ماند تا به تحقیق و اجرای آن .

در ذهن بسیاری از خوانندگان چنین سؤالی به وجود خواهد آمد که اگر اجرای حد زنا به علت دشواری و عدم امکان ثبوت آن، به ندرت اقامه و اجراء می گردد. پس چرا دین مقدس اسلام اساساً این حد جزا را مقرر، معین و اعلام داشته است؟

جواب واضح صریح و منطقی است که شریعت اسلامی زنا را يك جرم بسیار خطرناك و زشت و عامل فساد و تباهی بشریت و جوامع بشری محسوب می دارد، بناءً تمام جد و جهد و تمام راه ها و وسایل را به کار می بندند، تا بشر و جوامع بشری را از این مفسده خطرناك ضد بشری نجات دهد.

لذا برای عدم ارتکاب آن پیش از وقوع، هزاران پیشبینی کرده است، که در نظر گرفتن این عقوبت یکنوع منع و زجر است نسبت به این جرمه و جرمی که انگیزه ها و عوامل زیادی، به خصوص غریزه جنسی اگر سخت ترین غرایز بشری نباشد از جمله سخت ترین آنها است.

بنابراین شایسته است که سخت ترین غریزه چنانچه در مسیر انحراف قرار گیرد، سخت ترین عقوبت را نیز داشته باشد تا از شدت و جدت آن بکاهد .

راه های اثبات حد زنا:

راه های اثبات زنا در شرع اسلامی به دو امر تحقق می یابد:

اول : اقرار (به خاطر تذکیر)

دوم: شهادت شهود

اقرار و بخش از تدابیر اجراءات جزائی:

اقرار در لغت به معنای اعتراف کردن و اثبات چیزی است و در اصطلاح فقه؛ عبارت است از: خبر دادن از حقی ثابت بر ضرر خود یا نفی حقی از ذمه دیگری برای خود.

با آنهم اقرار شخص علیه خودش هم دارای شرایطی است که از آنجمله می توان به عقل و بلوغ و توضیح کامل در مورد حقیقت آمیزش تأکید داشت. توجه باید کرد که در تطبیق حد زنا، صرف اقرار شخص کفایت نمی کند و شرطی را که علماء در این باب وضع نموده اند همین است که اقرار شخص مثل شهادت دادن شهود به طور مفصل صورت گیرد. اقرار مانند سند در قوانین استنتاج امروزی جهان نیز به همین منوال که اسلام ۱۴ صد سال قبل تأکید کرده عملاً صورت می کرد که بعد از اقرار انگیزه، در مورد عامل و عمق قضایای وقوع جرم باید تحقیق صورت گیرد.

در فقه امام ابو حنیفه و امام حنبل (حنفی و حنبلی) (رحمه الله علیهما) شرط است که اقرار شخص، چهار مرتبه آنهم در چهار مجلس مختلفه باید صورت گیرد.

اگرچه امام مالک و امام شافعی (رحمه الله علیهما) اقرار یکبار شخص را بر عمل زنا نزد قاضی شرعی مورد قبول قرار می دهد.

قابل توجه است که در مورد پذیرش اقرار شخص (برای تذکیر) از سوی قاضی یا حاکم شرع شرایط خاصی وضع شده است که: در هر مرتبه اقرار، قاضی باید این اقرار را زیر سؤال قرار دهد و به اصطلاح آن را رد می کند و بر قاضی مستحب است که به او تلقین کند؛ مثل این که به شخصی اقرارکننده بگوید:

شاید تو آمیزش به شبهه کرده ای، یا شاید او را بوسیده ای، یا او را لمس کرده ای و از این قبیل، اما اگر شخص اقرار کننده در هر چهار مجلس اقراریه، چگونگی انجام عمل زنا را با تمامی جزئیات آن اقرار کند، اقرار او مورد پذیرش قرار می گیرد و این اقرار با شرایط بیان شده باعث ثبوت حکم سنگسار بر او می شود، اما اگر شخص اقرارکننده قبل از اجرای حد یا در وسط اجرای حد از اقرار خود بر گردد، رجوع او مورد قبول بوده، مسئله مورد غور بیشتر قرار گرفته و حتی رها می شود.

دفعات اقرار:

همانطوری که در فوق متذکر شدیم، اقرار و اعتراف «سید الادله» و به اصطلاح بهترین دلیل برای اثبات حد زنا در شرع می باشد.

طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم اعتراف و اقرار «ماعز» و «غامدیه» را در حد زنا پذیرفت. در حدیثی از ابن عباس رضی الله عنه روایت است:

«لما أتى ما عز بن مالک النبی صلی الله علیه وسلم قال له، لعلک قبلت أو غمزت أو نظرت، قال لا یا رسول الله، قال: أنکتها؟ - لایکنی قال: فعند ذلک أمر برجمه». (بخاری (۶۸۲۴)).

یعنی: «وقتی ماعز بن مالک نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد، پیامبر به او گفت: شاید او را بوسیده ای یا لمس یا نگاه کرده ای، گفت: نه ای رسول الله، پیامبر صلی الله علیه وسلم (با لفظ صریح) فرمود: آیا با او جماع کرده ای، به کنایه نگفت. (ابن عباس) گوید: در این هنگام پیامبر دستور به رجم او داد».

در مورد دفعات اقرار که موجب ثبوت حد زنا می شود، طوری که در فوق یاد آور شدیم در بین فقها اختلاف است: امام شافعی، امام مالک و داوود و طبری و ابو ثور گفته اند برای لزوم حد یک بار اعتراف و اقرار به زنا کافی است. چون ابوهریره و زید بن خالد روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «اغدا یا أنیس علی امرأة هذا، فإن اعترفت فارجمها». «اگر آن زن به ارتکاب زنا اعتراف کرد او را رجم کن». آن زن اعتراف کرد و انیس او را رجم نمود و از تعداد دفعات اعتراف سختی نگفت.

اما امام صاحب ابوحنیفه (رح) بدین نظر است که:

اقرار باید چهار مرتبه، آنهم در چهار مجلس متفرق و جداگانه اعتراف و اقرار عملی گردد، این فتوا و حکم امام صاحب ابوحنیفه مورد تأیید امام صاحب احمد و امام اسحاق نیز می باشد ولی در مورد مجالس چهارگانه و متفرق مؤید مجلس واحده می باشند.

پیشیمانی بعد از اقرار:

زمانی که اقرار با دقت و شرایط خاص شرعی در حد زنا نزد حاکم و قاضی صورت گرفت، پیشیمانی بعد از اقرار در برابر قاضی و اصدار موجب سقوط حد نمی گردد.

ولی علمای شافعی و حنفی و احمد می فرمایند:

پشیمان شدن و برگشت از اقرار موجب سقوط حد است چون امام احمد و امام ترمذی از ابوهریره روایت کرده اند: «ماعرز وقتی دید که سنگ به شدت به سوی او پرتاب می شود و احساس الم و درد کرد فرار کرد تا این که از کنار مردی گذشت که استخوان فك شتر در دست داشت و او را با آن استخوان زد و مردم نیز شروع کردند به زدن او تا این که مرد، این واقعه را برای پیامبر صلی الله علیه و سلم بازگو کردند پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «هلا ترکتموه؟! (چرا او را بحال خود نگذاشتید؟!) (ترمذی آن را حدیث حسن دانسته است و از جهات مختلف این روایت از ابوهریره نقل شده است.

ابوداود و نسائی از طریق جابر روایت کرده اند که چیزی شبیه بدانکه در ضمن آن آمده است که «چون سنگ بر وی باریدن گرفت فریاد زد و گفت: ای قوم من را پیش پیامبر صلی الله علیه و سلم برگردانید، براستی قوم من، من را گشتند و من را فریب دادند و به من خبر دادند که پیامبر صلی الله علیه و سلم من را نمیکشد و ما از او دست برنداشتیم تا این که او را کشتیم.

چون نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم برگشتیم و این ماجرا را برایش بازگو کردیم گفت: «فها ترکتموه وجئتمونی به؟! (پس چرا او را رها نکردید و او را پیش من نیاوردید؟!).

ولی امام مالک (رح) می فرماید:

مالک گوید اگر پشیمان شدن به علت شبهه باشد پذیرفته می شود و اگر شبهه ای در کار نباشد روایت مشهور آنست که پذیرفته می شود و روایت دوم آنست پذیرفته نمی شود.

اقرار مرد به زنا و انکار زن از زنا :

هرگاه مردی به ارتکاب زنا با زن معینی اقرار کرد و زن منکر شد و آن را انکار نمود، تنها برآن مرد حد اجراء می شود و آن زن حدی ندارد زیرا احمد و ابوداود از سهل بن سعد روایت کرده اند «که مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: با فلان زن که او را نام برد، مرتکب زنا شده است پیامبر صلی الله علیه و سلم به دنبال آن زن فرستاد و او را خواند و از او سؤال کرد. آن زن منکر شد لذا پیامبر صلی الله علیه و سلم آن مرد را حد زد و آن زن را به حال خود گذاشت».

مراد از این حد، حد زنائی است که شخص خود اعتراف بدان کرده است و مراد حد قذف به زن نیست همانگونه که مالک و شافعی گفته اند.

اوزاعی و ابوحنیفه (رحمه الله علیهما) گفته اند:

اگر مردی اقرار به زنا کرد و زن منکر شد ایجاد شبهه می شود لذا تنها حد قذف درباره آن مرد اجراء می گردد نه حد زنا، درین صورت به فهم دقیق همان اصل فقهی که اقرار حجت قاصره است و منحصر به مؤخر می باشد، در نظر گرفته شده است. اما بر این رأی هم اعتراض شده است که انکار زن اقرار آن مرد را باطل نمی کند. از هادی و محمد و به روایتی از امام شافعی آمده است که به چنین مردی هم حد زنا و هم حد قذف تنفیذ می شود. ابوداود و نسائی از ابن عباس روایت کرده اند که «مردی از قبیله بکرین لیث نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد و اقرار کرد که با زنی چهار بار زنا کرده است چون او ازدواج نکرده بود پیامبر صلی الله علیه و سلم یکصد ضربه شلاق به او زد سپس از او خواست که شاهدان علیه آن زن احضار کند. آن زن گفت: او دروغ می گوید ای رسول الله. آنوقت پیامبر صلی الله علیه و سلم هشتاد ضربه نیز برای افتراء به وی زد.

ثبوت حد زنا با شهادت شاهدان چون اتهام به زنا دارای اثر بسیار بدی است و مرتبه و منزلت زن و مرد را بسیار پائین می آورد و کرامت و شرافت آنها را سخت متضرر می سازد که این حالت برای خودشان و خانواده های شان و فرزندان شان عار و ننگ مانند تمام جزاهای سنگین در تمام سیستم های حقوقی جهان از دیرزمان تا حال، به بار می آورد.

سیستم حقوقی اسلام در اثبات این جرمه و جنایت بسیار سختگیری کرده است که به گونه ها و روش های بسیار دقیق و روش های بس مهم تلاش شده تا روش هائی را در پیش گیرند که اتهام، ننگ ابدی و همیشگی بر پاکدامنان بسته نشده و کسی بر کسی اتهامی بی سند نزنند. دقیقاً حد قذف در پهلوی سایر تدابیر به همین منظور نیز است. سیستم حقوقی اسلامی تلاش دارد که هرکسی که به گزاف، به هر علتی که باشد و یا برای کوچکترین دشمنی و کینه ای باشد مانع شود.

ادامه دارد